

۱۷/۱۰/۲۱۱۵  
۱۷/۱۰/۲۴

به نام خداوند جان و خرد

۱۰۶۸۷۵



دانشگاه شهید بهشتی  
دانشکده روان شناسی و علوم تربیتی

پایان نامه

جهت اخذ درجه کارشناسی ارشد در رشته  
روان شناسی عمومی

موضوع:

غرور ملی در میان اقوام ایرانی فارس، کرد، لر و ترک

استاد راهنما:

دکتر فاطمه باقریان

استاد مشاور:

دکتر محمود حیدری

دانشجو:

اعظم خضریان

اساتید داور:

دکتر شهریار شهیدی

دکتر محمود ایروانی

شهریور ۱۳۸۷

کتابخانه  
دانشگاه شهید بهشتی  
تهران

۱۳۸۷ / ۱۰ / ۵ - ۵

۱۰۶۸۷۵

با سپاس فراوان از راهنمایی‌های ارزنده و زحمات بی‌شائبه‌ی دکتر فاطمه باقریان و دکتر محمود حیدری که در آغاز و انجام این کار صمیمانه و بی‌دریغ مرا یاری دادند.

تقدیم به میهنم

ایران

## چکیده

هدف این پژوهش مطالعه ی غرور ملی (ویژه و عمومی) در چهار قوم ایرانی کرد، لر، فارس و ترک می باشد. پرسش نامه ی نگرش سنج «برنامه ی جهانی ارزیابی اجتماعی، ISSP» ابزار این پژوهش است که به وسیله ی آن میزان غرور ملی (ویژه و عمومی) یک نمونه ی تصادفی ۴۰۰ نفری از دانشجویان ۱۸ تا ۳۵ سال مورد اندازه گیری قرار گرفت. نمونه ی مذکور متشکل از ۱۰۰ نفر از هر قوم بود. به منظور کنترل و بررسی تأثیر عامل جنسیت، از هر قوم ۵۰ دانشجوی دختر و ۵۰ دانشجوی پسر انتخاب شدند. از ۵۰ نفر انتخاب شده از هر جنس ۲۵ نفر مجرد و ۲۵ نفر متأهل بودند تا از این طریق تأثیر عامل تأهل نیز قابل بررسی باشد. داده های به دست آمده با استفاده از آزمون های تحلیل واریانس عاملی، مجذور کای، تعقیبی شفه و فریدمن مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. نتایج کلی نشانگر تأثیر عامل قومیت بر غرور ملی (ویژه و عمومی) و نیز تأثیر تعامل جنسیت و تأهل و تأثیر تعامل جنسیت و قومیت بر میزان غرور ملی (ویژه و عمومی) است ( $p < 0.05$ ). همچنین سلسله مراتب مؤلفه های غرور ملی ویژه نشان می دهد که تمام اقوام به تاریخ، ادبیات، علم و ورزش کشورشان غرور بالاتری دارند. از سوی دیگر در هر چهار قوم، اینکه مردم ترجیح می دهند ایرانی باشند تا اهل هر کشور دیگر در جهان، بالاترین رتبه را در بین مؤلفه های غرور ملی عمومی به خود اختصاص داده است.

## فهرست مطالب

صفحه

عنوان

### فصل اول: کلیات پژوهش

|   |                                    |
|---|------------------------------------|
| ۲ | ۱-۱) مقدمه                         |
| ۲ | ۲-۱) بیان مسأله                    |
| ۶ | ۳-۱) ضرورت و اهمیت پژوهش           |
| ۷ | ۴-۱) سؤالات پژوهش                  |
| ۸ | ۵-۱) اهداف پژوهش                   |
| ۸ | ۶-۱) تعاریف نظری و عملیاتی متغیرها |
| ۸ | ۷-۱) تعریف عملیاتی متغیرها         |

### فصل دوم: ادبیات و پیشینه ی پژوهش

|    |                                |
|----|--------------------------------|
| ۱۰ | ۱-۲) قومیت                     |
| ۱۳ | ۲-۲) ایران و ریشه های گوناگونی |
| ۱۵ | ۱-۲) جدول اقوام ایرانی         |
| ۱۶ | ۳-۲) قوم فارس                  |
| ۱۷ | ۴-۲) قوم ترک                   |
| ۱۸ | ۵-۲) قوم کرد                   |
| ۱۹ | ۶-۲) قوم لر                    |
| ۲۱ | ۷-۲) هویت و انواع آن           |
| ۲۴ | ۸-۲) ملت                       |
| ۲۶ | ۹-۲) هویت ملی                  |
| ۲۶ | ۱-۹-۲) رویکرد روان شناسی       |
| ۲۸ | ۲-۹-۲) رویکرد جامعه شناسی      |
| ۲۹ | ۱۰-۲) ابعاد هویت ملی           |

|    |   |
|----|---|
| ۲۹ | ..... بعد اجتماعی (۱-۱۰-۲)                |
| ۲۹ | ..... بعد تاریخی (۲-۱۰-۲)                 |
| ۳۰ | ..... بعد جغرافیایی (۳-۱۰-۲)              |
| ۳۰ | ..... بعد سیاسی (۴-۱۰-۲)                  |
| ۳۱ | ..... بعد دینی (۵-۱۰-۲)                   |
| ۳۱ | ..... بعد فرهنگی یا میراث فرهنگی (۶-۱۰-۲) |
| ۳۱ | ..... بعد زبانی و ادبی (۷-۱۰-۲)           |
| ۳۲ | ..... جنبه های هویت ملی (۱۱-۲)            |
| ۳۲ | ..... جنبه های شناختی هویت ملی (۱-۱۱-۲)   |
| ۳۴ | ..... جنبه های عاطفی هویت ملی (۲-۱۱-۲)    |
| ۳۶ | ..... اهمیت هویت ملی (۱۲-۲)               |
| ۳۷ | ..... هویت قومی (۱۳-۲)                    |
| ۳۸ | ..... غرور ملی و ابعاد آن (۱۴-۲)          |
| ۳۹ | ..... همبسته های غرور ملی (۱۵-۲)          |
| ۴۱ | ..... ارزش ها (۱۶-۲)                      |
| ۴۲ | ..... طبقه بندی ارزش ها (۱۷-۲)            |
| ۴۳ | ..... مروری بر تحقیقات گذشته (۱۸-۲)       |

### فصل سوم: روش پژوهش

|    |                                    |
|----|------------------------------------|
| ۴۹ | ..... روش پژوهش (۱-۳)              |
| ۴۹ | ..... نمونه و روش نمونه گیری (۲-۳) |
| ۴۹ | ..... ابزار گردآوری اطلاعات (۳-۳)  |
| ۵۲ | ..... روش های آماری (۴-۳)          |

### فصل چهارم: یافته های پژوهش

|    |                                  |
|----|----------------------------------|
| ۵۴ | ..... مقدمه (۱-۴)                |
| ۵۵ | ..... توصیف داده های پژوهش (۲-۴) |
| ۵۷ | ..... بررسی سؤال های پژوهش (۳-۴) |

## فصل پنجم: بحث و نتیجه گیری

|         |                        |
|---------|------------------------|
| ۸۲..... | خلاصه.....             |
| ۸۳..... | بحث و نتیجه گیری.....  |
| ۹۰..... | نتیجه گیری نهایی.....  |
| ۹۱..... | محدودیت ها.....        |
| ۹۱..... | پیشنهادات پژوهشی.....  |
| ۹۲..... | پیشنهادات کاربردی..... |

## فهرست منابع

|         |                    |
|---------|--------------------|
| ۹۴..... | منابع فارسی.....   |
| ۹۷..... | منابع انگلیسی..... |

## پیوست

|          |                |
|----------|----------------|
| ۱۰۰..... | پیوست الف..... |
| ۱۰۱..... | پیوست ب.....   |
| ۱۰۲..... | پیوست ج.....   |
| ۱۰۳..... | پیوست د.....   |



فصل اول:

کلیات پژوهش

## ۱-۱) مقدمه

هویت و حس غرور ملی یکی از انگیزه های ایجاد حرکت در بسیاری از ملل جهان است. جوامع گوناگون، گاه در هر سال مبالغ کلانی را صرف می کنند تا بتوانند روحیه ی غرور ملی را در بین شهروندان خود ایجاد و تقویت کنند. شرکت در مسابقات گوناگون ورزشی، علمی، هنری و تجلیل و بزرگداشت قهرمانان و شخصیت های افتخارآفرین، نمونه ای از این گونه فعالیت ها است. استفاده از عناصر مختلف فرهنگی و هنری از قبیل شعر، فیلم، موسیقی و ... به منظور تقویت هویت و غرور ملی، گونه های دیگری از فعالیت های یاد شده است. تلاش برای ایجاد ارتباط مثبت و سازنده با سایر ملل به قصد به رسمیت شناخته شدن هر چه بیشتر و بهتر، دفاع از مرزهای جغرافیایی، پیشینه ی تاریخی و فرهنگ سرزمینی در مراحل مختلف و از سوی دیگر، حمایت از زبان، آداب و رسوم، پوشش، معماری و رفتارهای اصیل مذهبی، ایجاد نمادها و سمبل های خاص فرهنگی نظیر پرچم، سرود ملی و بسیاری موارد دیگر، نشان دهنده ی اهمیت و ارزش مباحث ملت، کشور، سرزمین و ... مردم است. پایداری، تداوم و حفظ موارث ملی، فرهنگی، مذهبی و ... در گرو پذیرش مثبت یک کشور توسط مردم آن و احساسات و عواطف غرورآفرین آنها در قبال تمامی ابعاد موجودیت آن کشور است. بدیهی است افزایش احساسات و عواطف مثبت و غرورآمیز مردم نسبت به کشورشان موجب تحکیم پایه های کشور و ماندگاری و بقای آن شده و موجبات پیشرفت همه جانبه ی آن را با حمایت مردم، فراهم خواهد کرد.

## ۱-۲) بیان مسأله

ایران اسلامی از جمله کشورهایی است که از تنوع قومی در ساختار جمعیتی خود برخوردارند. با این تفاوت که در اغلب کشورهای چند قومیتی همانند کانادا، آمریکا و کشورهای اروپایی، همبودی قومی محصول مهاجرت اقوام مختلف به این کشورها است، ولی ایران جزء معدود کشورهایی است که اقوام مختلف همگی بومی این سرزمین اند و ذاتاً به ایران و سرزمین خود دلبستگی و تعلق خاطر دارند.

امروزه موضوع چند قومیتی بودن جمعیت یک کشور، موضوعی با اهمیت و اساسی در زمینه های سیاسی، اجتماعی و ملی تلقی می شود. کشورهایی که دارای تکثر و تنوع قومی در ساختار جمعیتی خود هستند، همواره ایجاد اتحاد و انسجام بین اقوام را به منظور یکپارچه سازی سرزمینی و ملی و افزایش قدرت دولت مرکزی کانون توجه خود قرار می دهند (گودرزی، ۱۳۸۴)؛ چرا که در ارتباطات ویژه ی ملت و اقوام، دارا بودن یک هویت قومی خاص در کنار داشتن یک شاکله و هویت ملی، می تواند هویت ملی را تحت تأثیر قرار دهد.

تنش های شدیدی که در کشورهای چند قومیتی نظیر عراق، سوریه، افغانستان و... به چشم می خورد و مسایلی از قبیل فروپاشی شوروی سابق و تبدیل آن به جمهوری های کوچک متشکل از قومیت های مختلف می تواند گواهی بر این ادعا باشد. استقلال طلبی و تلاش های برخی از اقوام برای جدایی از حکومت مرکزی و تشکیل حکومت مستقل، دلیل دیگری بر این مدعاست.

در این رساله سعی شده است که از منظر علوم روان شناسی و اجتماعی به مسایل هویت و غرور ملی با تأکید بر عامل قومیت پرداخته شود و محدودیت های زمانی، مکانی، اجرایی و از سوی دیگر قلمرو مشخص تحقیق اجازه ی ورود به حوزه های دیگر را نمی دهد. برای روشن شدن و وضوح مطلب لازم است که در ابتدا تعاریف مختصری از مفاهیم کلیدی ارائه شود.

غرور و هویت ملی در اصل مفهومی است متعلق به روان شناسی اجتماعی، چرا که از یک سو به مفهوم هویت که در حوزه ی روان شناسی است و از سوی دیگر به ملی که مفهومی در گستره ی علوم اجتماعی است برمی گردد. بنا به اعتقاد برت<sup>۱</sup> (۲۰۰۰) هویت ملی ساختار روان شناختی پیچیده ای دارد. حس هویت ملی شامل نظام اطلاعات اساسی و اعتقادات، در مورد گروه های ملی و نظام گسترده ی احساسات، عواطف و ارزیابی های مربوط به گروه ملی است. وی معتقد است که هویت ملی بیشتر ناظر بر نحوه ی درونی کردن هویت جمعی یک جامعه از طرف فرد می باشد. احمدلو (۱۳۸۱) معتقد است هویت ملی به ویژگی هایی

---

<sup>۱</sup> Barrett

گفته می شود که یک جامعه را از جوامع دیگر متمایز نموده و باعث ایجاد انسجام و یکپارچگی در جامعه می شود. وی می گوید افراد در جریان درونی کردن هویت اجتماعی به تشابهات ملی خود با هم و طنان پی برده و احساس دلبستگی، پابندی و تعهد نسبت به جامعه می کنند. همچنین در خلال آگاهی از تفاوت میان ملت خود و دیگر ملت ها، پیوند خود را با جامعه ی ملی خویش مستحکم می کنند.

در زبان های اروپایی واژه ی ملت (nation) از واژه ی لاتینی (natio) مشتق شده است که دلالت بر مردمانی دارد که از راه ولادت با یکدیگر نسبت یافته اند و از یک قوم و قبیله اند. در مورد ملت، عوامل و عناصر اصلی ملت و ملیت یعنی زبان مشترک، دین مشترک و سرزمین مشترک مطرح است. در مرزهای جغرافیایی بر سرزمین مشترک و در فلسفه ی اجتماعی بر وحدت فرهنگی و تاریخ مشترک تأکید می شود (اشرف، ۱۳۷۳).

گیبیرنا<sup>۱</sup> (۱۳۷۸) اعتقاد دارد که ملت، یک گروه انسانی است که از تشکیل اجتماع خود، آگاه است. گذشته ی مشترک، طرحی برای آینده و ادعای حق حاکمیت بر خود را دارد. پس در حقیقت، حاکمیت از لوازم ملت است که با وضع قواعد و قوانین، به اصطلاح بر خود حکومت می کنند.

یکی از مفاهیمی که در ارتباط با ملت مطرح می شود، غرور ملی است. در چیستی مفهوم غرور ملی، باید گفت که آن، نه تنها یکی از ابعاد مهم هویت ملی، بلکه از مهم ترین ارکان آن به شمار می رود (مجتهدی، ۱۳۸۱). غرور ملی سازه ای است چند بعدی که عواطف مثبت و احساسات عمومی یک جامعه را نسبت به آن جامعه نشان می دهد. غرور ملی مقوله ای است که با احساسات میهن دوستی و ملی گرایی ارتباط دارد. در واقع غرور ملی به عنوان پیوند عاطفی مثبت با نمادها و موقعیت های ویژه ی ملی است (مولر- پیترز<sup>۲</sup>، ۱۹۹۸). غرور ملی در هر کشوری به وسیله ی موقعیت های اجتماعی - جمعیت شناختی هر

---

<sup>۱</sup> Gibberna

<sup>۲</sup> Muller-Peters

فرد، در همان جامعه شکل داده می شود و دیدگاه های افراد را در بسیاری از موارد تحت تاثیر قرار می دهد (اسمیت و کیم<sup>۱</sup>، ۲۰۰۶).

یکی دیگر از مفاهیمی که شباهت زیادی نیز با مفهوم ملیت دارد، مفهوم قومیت است. علی رغم نزدیکی دو مفهوم ملیت و قومیت، باید دانست که هریک، مفاهیم متفاوتی را ارائه می کنند. قومیت مفهومی است مربوط به علوم انسانی و ناظر بر همبستگی گروه و یا واحدهای نسبتاً پایدار از شکل جوامع بشری که همچون حد فاصلی میان جوامع ایلی (با همبستگی تباری - خونی و اسطوره ای - زبانی) و جوامع ملی (با همبستگی اقتصادی - سیاسی و شهروندی - حقوقی) قرار می گیرد. همبستگی قومی ناظر به سرزمین معین و فرهنگ (دین، زبان، معمولاً کتبی و آداب و رسوم) مشخص است که در طول زمان به وجود آمده و تحول می یابد (صدرالاشرفی، ۱۳۷۷).

ویکتور کوزلف<sup>۲</sup> قوم شناس شهیر می گوید قوم یا همبودی قومی، یک سازمان اجتماعی شکل یافته ای است که در پهنه ی سرزمین معین قرار دارد و مردمی را که در طول تاریخ با هم پیوندهای اقتصادی، فرهنگی، خویشاوندی و... برقرار کرده اند، تحت پوشش قرار می دهد (دژم خوی، ۱۳۸۰).

اصطلاح قومیت به گروهی اشاره دارد که با ویژگی های بنیادی از قبیل زبان، آداب و رسوم و میراث تاریخی، از سایر گروه های اجتماعی که دارای پیوستگی و همبستگی نژادی هستند، متمایزند. فکوهی (۱۳۸۰) مهم ترین خصوصیات یک قوم را در موارد ذیل می داند: نیاکان مشترک واقعی یا باور به نیاکان اسطوره ای، پیشینه ی تاریخی مشترک، سرزمین مشترک، زبان مشترک، مذهب مشترک، فضاهای مشترک زیستی، آداب و رسوم مشترک، ارزش های مشترک و احساس تعلق به یک گروه واحد. البته برای اینکه یک گروه قومی خود را قومیتی متمایز و مشخص بدانند، وجود همه ی شاخص ها ضروری نیست. علاوه بر اینکه، هر یک از این شاخص ها، همان اندازه که امکان عینی بودن دارند، ممکن است زائیده ی اسطوره ها و باورهای اعضای یک گروه قومی باشند. به هر جهت این عوامل باعث شکل گیری یک هویت قومی خاص می شود که

<sup>۱</sup> Smith & Kim

<sup>۲</sup> Viktor kozlof

خود را متمایز از سایر همسایگان می‌داند. البته مرز بین اینها همیشه پایدار نیست و بسته به میزان و شرایط عینی و ذهنی در دوره‌های مختلف تاریخی همواره در حال تغییر است. ضمن اینکه ارزش این عوامل نیز در دوره‌های مختلف تغییر می‌کند.

با توجه به تعاریف کوتاهی که از واژه‌های ملیت و قومیت کردیم، در تفاوت مفهوم این دو واژه می‌توان این‌طور استنباط کرد که تفاوت عمده‌ی آنها در عنصر حاکمیت است که لازمه‌ی ملت می‌باشد اما برای وجود قومیت، ضرورتی ندارد. مردم یک ملت، مجموعه‌ی افراد نسبتاً کثیر جامعه‌ی کلان هستند که با حقوق مساوی در مقابل قانون در یک سرزمین معین با مرزهای شناخته‌شده‌ی مشخص به نام کشور، زیر اقتدار متشکل دولت زندگی می‌کنند (صدرالاشرفی، ۱۳۷۷). از سوی دیگر به مجموعه افرادی که در هر منطقه دارای اشتراک زبان، شیوه‌ی لباس پوشیدن، ... و فرهنگ خاص خود هستند، قوم گفته می‌شود.

تاکنون تقسیم‌بندی‌های متفاوتی از اقوام و قبایل ایرانی صورت گرفته است که این امر حاکی از تعدد و کثرت اقوام ساکن در ایران است. در یک تقسیم‌بندی که به ویژگی‌های مردم‌شناسی، زبان‌شناسی و جامعه‌شناسی توجه دارد، اقوام و قبایل ایرانی (بدون ذکر شاخه‌ها و زیرمجموعه‌ها)، بدین‌گونه دسته‌بندی شده‌اند: ۱- ایلات بلوچه (بلوچستان جنوبی) ۲- طوایف براهویی (بلوچستان شمالی) ۳- اقوام ترک ۴- کردها ۵- لرها و لک‌ها ۶- قشقایی‌ها در استان فارس ۷- ایلات عرب (یوسفی زاده، ۱۳۷۴).

در تقسیم‌بندی دیگری از قومیت‌های فارس (۵۵٪)، ترک (۲۳٪)، کرد (۱۱٪)، بلوچ (۳٪)، عرب (۵٪) و ترکمن (۳٪) به عنوان اقوام ساکن در ایران یاد شده است (علوی، ۱۳۸۵). برای سهولت در امر تحقیق به مطالعه‌ی چهار قوم فارس، کرد، ترک و لر بسنده شده است.

### ۱-۳) ضرورت و اهمیت پژوهش

وفاق ملی، اتحاد و همبستگی، در جوامعی که از قومیت‌ها، گروه‌ها و خرده‌فرهنگ‌های متعدد تشکیل شده‌اند، با توجه به تفاوت‌های موجود در جنبه‌های مختلف این اقوام، از جایگاه و اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. با توجه به تعریف غرور ملی که سازه‌ای است که عواطف مثبت و احساسات عمومی یک جامعه را

نسبت به آن جامعه نشان می دهد و اینکه غرور ملی در هر کشوری به وسیله ی موقعیت های اجتماعی - جمعیت شناختی فرد، در همان جامعه شکل داده می شود و دیدگاه های افراد را در بسیاری از موارد تحت تاثیر قرار می دهد (اسمیت و کیم، ۲۰۰۶)؛ می توان نتیجه گرفت که با برنامه ریزی صحیح و علمی می توان در روند شکل گیری و افزایش غرور ملی در جامعه، تأثیر گذاشت و آن را در مجرای صحیح هدایت کرد. هر چقدر غرور ملی در میان افراد و جوامع، بیشتر باشد احساس تعلق، تعهد و حمایت از فرهنگ و ارزش های ملی مشترک افزایش خواهد یافت. این امر، موجب افزایش ایستادگی و مقاومت در برابر ضد ارزش ها و تعارض های بیگانه خواهد بود. از سوی دیگر، تلاش افراد برای دفاع از میهن و مرزهای مشترک بیشتر شده و کوشش برای ارتقا و پیشرفت علمی، اجتماعی و ... افزایش خواهد یافت. در مجموع این عوامل، راه را برای توسعه و استقلال ملی هموارتر خواهد کرد. حال با توجه به بافت و ساختار اجتماعی جامعه ی ایرانی که چند قومیتی است، بررسی مقایسه ای مسأله ی غرور ملی به منظور برنامه ریزی های صحیح و مداخلات اصولی از طریق تعیین نقاط ضعف و قوت هر یک از اقوام در مؤلفه های مختلف غرور ملی، ضروری و لازم به نظر می رسد.

#### ۱-۴) سوالات پژوهش

در طی اشارات مختصری که در قسمت بیان مسأله به اهمیت موضوع قومیت ها شد و نیز علاقه ی پژوهشگر به موضوع غرور ملی در بین اقوام ایرانی، در این پژوهش سعی خواهد شد که به چند سؤال مطرح شده در این زمینه را پاسخ داده شود.

۱. میزان غرور ملی (ویژه و عمومی) در هر یک از اقوام چه میزان است؟

۲. آیا غرور ملی (ویژه و عمومی) با توجه به جنسیت و تأهل در قومیت های مختلف تفاوت دارد؟

۳. سلسله مراتب مؤلفه های غرور ملی (ویژه و عمومی) در اقوام مختلف چگونه است؟

به وسیله ی طرح پرسش ها اهداف زیر دنبال می شود.

## ۱-۵) اهداف پژوهش

۱. تعیین میزان غرور ملی (ویژه و عمومی) در هر یک از چهار قوم ایرانی کرد، لر، فارس و ترک.
۲. بررسی تفاوت احتمالی غرور ملی (ویژه و عمومی) در میان چهار قوم با توجه به عوامل قومیت، جنسیت و تأهل.
۳. تعیین سلسله مراتب مؤلفه های غرور ملی (ویژه و عمومی) در اقوام فارس، ترک، لر و کرد.

## ۱-۶) تعاریف نظری و عملیاتی متغیرها

متغیرها:

متغیر مستقل: قومیت. شامل ۴ سطح فارس، ترک، لر و کرد.

متغیر وابسته: غرور ملی (ویژه و عمومی).

متغیرهای تعدیل کننده: تأهل (مجرد، متأهل) و جنسیت (زن، مرد).

## ۱-۷) تعریف عملیاتی متغیرها

غرور ملی: غرور ملی وابسته به «موفقیت های ویژه» و «غرور ملی عمومی» مفاهیمی هستند که توسط نگرش سنج «برنامه ی جهانی ارزیابی اجتماعی، ISSP» سنجیده می شوند.

قومیت: تعلق داشتن به یک قوم خاص و عضوی از آن قوم بودن. مثلاً فارس، ترک، لر و یا کرد بودن.



## فصل دوم:

ادبیات و پیشینه ی پژوهش

در این فصل ابتدا مروری بر مفاهیم قومیت و اقوام ایرانی مورد مطالعه در این پژوهش شده است. سپس به مفاهیم بنیادی هویت و انواع آن، ملت، هویت ملی و نظایر آن پرداخته شده است. نهایتاً مروری اجمالی بر مفهوم غرور ملی صورت گرفته است. در ادامه، اشاره‌ی مختصری به نتایج حاصل از برخی تحقیقات در زمینه‌ی هویت و غرور ملی شده است.

## ۱-۲) قومیت<sup>۱</sup>

امروزه کلمه‌ی قوم یا Ethnic در انگلیسی، واژه‌ی رایجی در تمام زبان‌های زنده‌ی دنیا می‌باشد. واژه‌ی قومیت Ethnicity در زبان لاتین از کلمه‌ی یونانی Ethnos ریشه گرفته است. واژه‌ی یونانی Ethnos به گونه‌ای متفاوت به «قبیله» یا «ملت» ترجمه شده است و معنی آن را می‌توان میان این دو مفهوم در نظر گرفت (احمدی، ۱۳۸۱).

در مجموع می‌توان تعاریف مربوط به واژه‌ی قومیت را با دو رویکرد عمده تبیین کرد:

۱- رویکرد نخست، گروه قومی را با پیوندهای نژادی، زبانی و ملی معرفی می‌کند و در اکثر موارد هم، ویژگی‌های فرهنگی همانند مذهب، آیین‌ها و پرستش را نیز به آن می‌افزاید. نظریه پردازان پیرو این رویکرد، خود به دو دسته قابل تقسیم هستند. دسته‌ی اول، کسانی هستند که بر پیوندهای بیولوژیکی اعضای یک گروه قومی تأکید می‌کنند. دسته‌ی دوم کسانی هستند که تنها بر تمایزات فرهنگی همچون زبان، دین و فرهنگ عمومی تأکید می‌کنند و تمایزات نژادی را افسانه می‌شمارند. بالمر و اومن<sup>۲</sup> در تعاریف خود از قومیت، بر فرهنگی بودن پدیده‌ی قومیت تأکید می‌کنند. بالمر گروه قومی را جمعی می‌داند که درون جامعه‌ی بزرگ تر، دارای تبار مشترک واقعی یا خیالی، خاطراتی از گذشته‌ی مشترک و دارای تأکیدات فرهنگی بر یک یا چند عنصر نمادی است که بر اساس آن هویت گروه تعریف شده است. از جمله‌ی این نمادها خویشاوندی، مذهب، ملیت و ظاهر فیزیکی مشترک است. علاوه بر اینها اعضای گروه از تعلقشان به گروه قومی آگاهی دارند (گروه مترجمان، ۱۳۷۷).

<sup>۱</sup> Ethnicity

<sup>۲</sup> Bulmer & Oman

اومن نیز با تأکید بر فرهنگی بودن پدیده ی قومیت، آن را یک پدیده ی فرهنگی می داند که قلمرو آن نیز توسط فرهنگ تعیین می شود نه سرزمین. همچنان که اقوامی وجود دارند که در سرزمین های مختلف پراکنده اند اما هویت قومی واحدی دارند که بر حسب اشتراک سرزمینی نمی توان آنها را تعریف کرد (کریمیان، ۱۳۷۸).

۲- دومین رویکرد به روابط درونی اعضای یک گروه و مرزهایی که گروه، بین خود و محیط بیرونی ترسیم می کند، نظر دارد. صیانت از این مرزها بر عهده ی مکانیسم هایی است که روابط میان اعضای گروه را به عنوان روابطی پایدار در طول تاریخ تعیین می کند. مانینگ ناش<sup>۱</sup> معتقد است که مرزهای گروه قومی، مکانیسم هایی را برای صیانت از گروه در بردارند که شاخص هایی فرهنگی را برای شناخت تفاوت میان گروه ها به دست می دهند. این شاخص ها چند ویژگی دارند: نمادین هستند، یک عضو را از یک غیر عضو تمیز می دهند، شرایط عضویت را تمیز می دهند و در واکنش به شرایط و محیط های اجتماع، خود را نمایان می سازند.

این شاخص ها که عناصر محوری قومیت هستند عبارتند از: خویشاوندی یا تداوم بیولوژیکی، هم سفره گی و هم یاری در ارتباط با محیط طبیعی و آیین مقدس مشترک که عناصر مقدسی را معرفی می نمایند و با تداومشان در طول تاریخ به گروه قومی بقا و حیات می بخشند (علوی، ۱۳۸۵).

ناش عناصر دیگری را نیز به عنوان عناصر نمادین درجه ی دوم برای تشکیل هویت گروه قومی معرفی می کند. عناصر درجه ی دوم نقش تشکیل دهنده ی روابط گروه را ندارند، اما به دوام و پایداری آن کمک می کنند. این عناصر عبارتند از لباس، معماری و نظم داخلی خانه، گاه شماری آیین های مذهبی، تابوها در مشارکت اجتماعی، طب سنتی و شیوه های خاص معیشت. وی به این مجموعه، ویژگی های جسمانی مانند شکل چشم، خالکوبی، رنگ پوست و ... را می افزاید. پیوستگی تاریخی این عناصر نمادین، موجب بقای گروه و ایستایی آنها موجب مرگ گروه قومی خواهد شد (علوی، ۱۳۸۵).

---

<sup>۱</sup> Manning nash

واقعیت این است که در خصوص ویژگی ها و تعاریف این واژه، همچون دیگر واژه های علوم انسانی توافق چندانی میان صاحب نظران وجود ندارد. احمدی (۱۳۸۱) تنها تعریف عمومی ارائه شده از قومیت را تعریفی می داند که آگاهی مشترک از ریشه ها و سنت های یکسان را در بر می گیرد. با توجه به این مطلب می توان گفت علی رغم عدم ثبات در مفهوم بندی قومیت و مسائل مرتبط با آن تقریباً تمام محققان و صاحب نظران امور قومی بر این نکته توافق دارند که قومیت، هم عوامل عینی و هم فاکتورهای ذهنی را در بر می گیرد. فاکتورهای عینی آن عبارتند از: پیشینه ی تاریخی، دین مشترک، سرزمین مشترک و زبان مشترک. فاکتورهای ذهنی آن هم شامل هویت، احساس تعلق به سرزمین خاص، منافع و علائق مشترک می باشد (رمضان زاده، ۱۳۷۵). می توان این فاکتورها را به بیانی دیگر به عنوان شاخص های ممیزه ی تشخیص گروه های قومی ذکر کرد و آنها را چنین بر شمرد: ۱- نیاکان مشترک واقعی یا باور به نیاکان اسطوره ای. ۲- نام مشترک. ۳- پیشینه ی تاریخی مشترک. ۴- سرزمین مشترک. ۵- زبان مشترک. ۶- مذهب مشترک. ۷- فضاهای مشترک. ۸- آداب و رسوم مشترک. ۹- ارزش های مشترک. ۱۰- احساس تعلق به یک گروه واحد (فکوهی، ۱۳۸۰). البته برای اینکه قومی خود را قومیتی متمایز و مشخص بداند، وجود همه ی شاخص های فوق ضروری نیست. علاوه بر اینکه هر یک از این شاخص ها، همان اندازه که امکان عینی بودن دارند، ممکن است زائیده ی اسطوره ها و باورهای اعضای یک گروه قومی باشند. به هر جهت، این عوامل باعث شکل گیری یک هویت قومی خاص می شود که خود را متمایز از سایر همسایگان می داند. البته مرز بین اینها همیشه پایدار نیست و بسته به میزان و شرایط عینی و ذهنی در دوره های مختلف تاریخی همواره در حال تغییر است. ضمن اینکه ارزش این عوامل نیز در دوره های مختلف تغییر می کند (فکوهی، ۱۳۸۰).